

د - لشکر کشی محمدشاه به هرات و

مخالفت انگلیس

به نظر وزیر خارجه انگلیس، روسیه برای تأمین اهداف خود می‌خواست ایران را به جنگ و نزاع با همسایگان شرقی بکشانند تا توجه آنرا از آنچه در شمال و غرب آن کشور می‌گذرد منحرف سازد و نیروهایش تحلیل برود و توانایی دفاعیش برای آینده در برابر تجاوزات روس‌ها کاهش یابد. ایس در چند ماهی که در تهران بود همه تلاش خود را برای متقاعد کردن محمدشاه و حاجی میرزا آقاسی در دو مورد، یکی امضای عهدنامه بازرگانی که چگونگی آن شرح داده شد و دیگر منصرف کردن آنها از لشکر کشی به هرات، به کار برد.

ایس در سوم ماه نوامبر ۱۸۳۵ (ماه رجب ۱۲۵۱) تقریباً ده ماه پس از تاجگذاری محمدشاه وارد تهران شد. او ده روز بعد در گزارشی به وزیر امور خارجه انگلیس نوشت:

شاه طرح‌های وسیعی در افغانستان دارد و حاکمیت بر هرات و قندهار را مانند دوران دولت صفوی حق ایران می‌داند. او این ادعاها را دنباله پیروزی‌های پدرش عباس میرزا در خراسان می‌خواند.^{۳۲۸}

ایس در ۷ ژانویه ۱۸۳۶ پس از آنکه اطلاع یافت وزیر مختار روسیه (کت سیمونیچ) به محمدشاه اصرار و ابرام نموده هر چه زودتر دست به لشکر کشی به هرات بزند زیرا دولت انگلیس در صدد است بار دیگر يك دولت پادشاهی در افغانستان بر سر کار آورد،^{۳۲۹} بی‌درنگ به دیدار حاجی میرزا آقاسی وزیر اعظم و میرزا مسعود وزیر امور خارجه رفت و با آنان به مذاکره و گفتگو پرداخت.

ایس ضمن گفتگوهای خود درباره افغانستان و ادعاهای ایران برای تسلط بر سرزمینهایی تا مناطق غزنی (غزنین)، به حاجی میرزا آقاسی می‌گوید با اطلاعی که از نظرات دولت متبوع خود دارد، دولت انگلیس اقدام ایران به جنگ و تصرف اراضی افغانستان را با نهایت نارضایی خواهد نگرست.

حاجی میرزا آقاسی و میرزا مسعود با اشاره به تخلفات کامران میرزا و همکاری‌های او با ترکمن‌ها در تاخت‌وتاز به ایالت خراسان و به اسارت گرفتن ایرانیان می‌گویند آیا ایران نباید از

چنان که اشاره شد، محمدشاه از هنگام رسیدن به تاج و تخت سلطنت در فکر تصرف هرات و الحاق آن به ایران بود. در آن ایام نفوذ روسیه در ایران، برخلاف دوران سلطنت فتحعلی‌شاه، بی‌اندازه گسترش یافته بود و اگر هرات منضم به ایران می‌گردید با توجه به موقعیت استراتژیک آن، انگلیسی‌ها می‌گفتند امنیت هند به خطر می‌افتد زیرا روس‌ها که طبق مقررات عهدنامه ترکمانچای^{۳۳۰} می‌توانستند در هر يك از شهرهای ایران کنسولی مستقر کنند، با اعزام کنسول به شهر هرات، در سراسر افغانستان به هر گونه اقدامی بر ضد منافع و مصالح امپراتوری انگلیس در هند دست می‌زدند. به همین جهت هنری ایس و بعد از او بویژه جان مک‌نیل بسیار کوشیدند تا محمدشاه را از لشکر کشی به هرات منصرف کنند و چون موفق نشدند، با قطع رابطه با ایران و اعزام کشتی جنگی به خلیج فارس و اشغال جزیره خارک محمدشاه را مجبور کردند از محاصره هرات چشم‌پوشد و نیروهای خود را عقب بکشند.^{۳۳۱}

۱- تلاش‌های ایس برای جلوگیری از لشکر کشی به هرات

بیشتر گفتیم که پس از تاجگذاری محمدشاه، از طرف دولت انگلیس هنری ایس^{۳۳۲} که قبلاً دوبار با مأموریت‌های مخصوص به ایران اعزام شده بود و با اوضاع و احوال این کشور آشنایی داشت با عنوان سفیر فوق‌العاده پادشاه انگلیس برای تسلیت مرگ فتحعلی‌شاه و تبریک اعلام پادشاهی محمدشاه به ایران اعزام گردید. بالمرستون وزیر امور خارجه انگلیس در دستورالعمل مورخ ۲۲ ژوئیه ۱۸۳۵ خود به ایس که قسمت‌هایی از آن قبلاً نقل شد، پس از اشاره به نفوذ گسترده روسیه در ایران و هشدار دادن به محمدشاه در مورد خطراتی که از طرف روسیه متوجه ایران است، از جمله می‌گوید: «شما بویژه دولت ایران را از این که آلت سیاست روسیه گردد و به خود اجازه دهد به جنگی با افغانها کشیده شود بر حذر دارید.»

کوشش‌های از تاریخ ایران

(مسئله هرات)

بخش دوازدهم

دکتر ابراهیم تیموری

کارهای تجاوزآمیز آنها جلوگیری کند؟

الیس در پاسخ می‌گوید البته ایران حق دارد از این کارهای حاکم هرات جلوگیری کند، اما به نظر دولت انگلیس، بهتر است مسئله با مذاکره حل و فصل شود، نه با توسل به زور.

ظاهراً حاجی میرزا آقاسی می‌پذیرد که به جای توسل به اسلحه، از راه مذاکره با کامران میرزا به توافق برسند.^{۲۵۰}

تقریباً یک هفته بعد، الیس ممو راندمی درباره افغانستان و ادعاهای ایران برای وزیر امور خارجه انگلیس تهیه کرد و متن آنرا ضمن گزارشی به لندن فرستاد.

در این گزارش و ممو راندمی ضمیمه آن الیس می‌گوید:

روسیه هم اکنون با دوست محمدخان امیر کابل رابطه بازرگانی دارد و عوامل آن دولت در سرزمین‌های واقع بین قلمرو امیر کابل و سرزمین هند فعالیت دارند. اعضای نمایندگی روسیه در ایران کاملاً از اوضاع افغانستان اطلاع دارند.

نامبرده پس از اشاره به نارضایی دوست محمدخان از انگلیس و نزدیک شدن او به روسیه و ادعاهای مقامات ایران و این که شاه مصمم است در بهار آن سال (۱۸۳۶) هرات را تصرف کند می‌گوید:

بدبختانه کامران میرزا تعهداتی را که در برابر عباس میرزای مرحوم برعهده گرفته بود زیر پا گذارده و اجازه داده وزیرش یارمحمدخان قسمتی از سیستان را اشغال کند. در نتیجه، شاه خود را موظف می‌داند عملیات خصمانه را برضد او شروع کند. وزیرمختار روسیه مرتب به شاه فشار می‌آورد که هر چه زودتر این عملیات را شروع کند.

در مورد علت این امر یعنی علاقه روسیه به تصرف هرات توسط ایران، الیس می‌گوید: هرگاه هرات به ایران ملحق شود طبق مقررات عهدنامه بازرگانی (ضمیمه عهدنامه ترکمانچای) کنسول روسیه می‌تواند در هرات اقامت کند و سپس در سراسر افغانستان پنهان و آشکار به تحقیق و جستجو و مکاتبه و برقراری ارتباط بپردازد. در وضع فعلی، با توجه به سرسپردگی شاه ایران به

روسیه، پیشروی ایران در افغانستان در واقع پیشروی روسیه در آن سرزمین خواهد بود.

در نتیجه، در حالی که دولت روسیه آزادانه می‌تواند ایران را در تأمین دعاوی حاکمیتش در افغانستان کمک کند، انگلیس به موجب ماده نهم عهدنامه موجود میان ایران و انگلیس از دخالت در روابط ایران و افغانستان منع شده، مگر آنکه هر دو طرف چنان درخواستی بنمایند.^{۲۵۱}

بنابراین مادام که این عهدنامه معتبر باشد، دولت انگلیس فقط باید ناظر توسعه نفوذ روسیه به علت پیشروی ایران در مرزهای امپراتوری هند باشد.

الیس پس از اشاره به اینکه یقین دارد دولت انگلیس برای آرامش داخلی هند اجازه پیشروی ایران در افغانستان را نخواهد داد تا روسیه در کنار مرزهای امپراتوری انگلیس به فتنه‌انگیزی و توسعه نفوذ خود بپردازد، اظهار عقیده می‌کند که چون ایران نمی‌خواهد یا جرأت نمی‌کند همچنان با انگلیس دوست و متحد نزدیک باشد بلکه مطیع و تسلیم نظر روسیه شده، دولت انگلیس پس از این دیگر نباید ایران را سدّی برای دفاع هند تلقی کند، بلکه باید آن را خط اولی بداند که از آنجا حمله شروع می‌شود یا مورد تهدید قرار می‌گیرد.^{۲۵۲}

الیس ضمناً در نامه‌ای به کامران میرزا والی هرات، به او توصیه کرد تعهداتی را که در مقابل دولت ایران برعهده گرفته انجام بدهد تا بهانه‌ای برای حمله به هرات از طرف شاه ایران در میان نباشد.

اما چند روز بعد خبر رسید که کامران میرزا چند نفر از ایرانیان مقیم هرات را اعدام و شماری از خانواده‌های ایرانی مقیم آن شهر را بیرون کرده است.

در مورد علت این کار گفته می‌شد که کامران میرزا می‌ترسد در صورت اعزام نیروهای ایران به هرات، ایرانیان مقیم آن شهر در برابر او قیام کنند. محمدشاه چند روز بعد در مراسم سلام عام اظهار داشت درحالی که انگلیسی‌ها در دفاع از منافع و مصالح حتی یک بازرگان انگلیسی کوتاهی نمی‌کنند، نباید انتظار داشته باشند که ما اجازه بدهیم اتباع ایران توسط ترکمن‌ها و یکی از اتباع

○ از دید وزیر امور خارجه

انگلیس، روسیه برای تأمین اهداف خود می‌خواست دولت ایران را به جنگ با همسایگان شرقی‌اش بکشاند تا توجه آنرا از آنچه در شمال و غرب ایران می‌گذرد منحرف سازد و نیروهایش سستی گیرد و توان دفاعی‌اش برای آینده در برابر تجاوزات روسیه کاهش یابد.

خود ما (کامران میرزا حاکم هرات) که با آنها همدست گردیده به اسارت گرفته شوند یا از خانه و کاشانه خود رانده شوند.^{۲۵۳}

در اواسط ماه آوریل ۱۸۳۶ ایس سفیر انگلیس اطلاع یافت که کنت سیمونینج وزیرمختار روسیه روز ۱۴ آن ماه با محمدشاه ملاقات کرده و اصرار ورزیده که يك نیروی نظامی برای تصرف هرات اعزام کند و گفته است اگر امسال با يك نیروی ده هزار نفری بتوان هرات را تصرف کرد، سال دیگر با نیروی بزرگتری نمی توان آن شهر را تصرف کرد. وزیرمختار روسیه ضمناً وعده داده بود که احتمالاً دولت روسیه در این باره به شاه کمک هم خواهد داد.

روز بعد (۱۵ آوریل / ۲۷ ذی حجه ۱۲۵۱) ایس با حاجی میرزا آقاسی و میرزا مسعود جداگانه ملاقات و مذاکره کرد. ایس در مذاکرات خود خطرات اقدام به لشکرکشی به هرات و ارتباط آنها با روسیه بویژه در اوضاع و احوال آن روزها خاطر نشان کرد و هشدار داد. حاجی میرزا آقاسی صریحاً هرگونه همکاری مستقیم و غیرمستقیم با روسیه برای تصرف هرات را تکذیب کرد و گفت شاه خواهان انقیاد کامران میرزا و جلوگیری از تاخت و تازهای او در خراسان است. میرزا مسعود وزیر امور خارجه هم همان مطالب را تکرار کرد.^{۲۵۴}

ایس روز ۱۷ آوریل ۱۸۳۶ بطور خصوصی با محمدشاه ملاقات کرد. ایس می نویسد: اعلیحضرت در این جلسه اظهار داشت که وظیفه او، هم بعنوان پادشاه و هم بعنوان يك مسلمان، آنست که به خراسان برود زیرا کامران میرزا و افغان های تحت اختیار او از راه سیستان وارد خراسان شده و در حدود ۱۲۰۰۰ نفر را به اسارت گرفته اند تا آنان را به صورت برده بفروش برسانند.

کامران میرزا حاکم قائن را مجبور کرده تا به او خراج بپردازد. حکام قائن و خوفا نمایندگان به تهران فرستاده و گفته اند اگر از آنها حمایت و پشتیبانی نشود، مجبور خواهند بود به انقیاد کامران میرزا در آیند.^{۲۵۵}

ایس در گفتگویی که در روز ۲۹ آوریل ۱۸۳۶ (۱۲ محرم ۱۲۵۲) با حاجی میرزا آقاسی

داشت، حاجی به او گفت طرح جنگ در هرات تهیه شده است. طبق این طرح سه لشکر از سه جهت یکی از کرمان و از راه سیستان و دیگری تحت فرماندهی خود شاه از راه سبزوار و خوفا و سومی از راه استرآباد و مشهد به سوی هرات پیشروی خواهد کرد. وظیفه لشکر آخر سرکوبی ترکمن ها هم خواهد بود.^{۲۵۶}

ایس، چنان که قبلاً اشاره شد، در ماه مه ۱۸۳۶ تهران را ترک گفت و به تیریز و سپس به نواحی مرزی رفت و تا اواخر ماه اوت ۱۸۳۶ یعنی مقارن ورود مکتیل به ایران، در آن نواحی توقف کرد.

ایس پیش از ترک تهران ضمن نامه ای به تاریخ ۲۷ آوریل ۱۸۳۶ به کلنل پسر^{۲۵۷} رئیس گروه افسران انگلیسی که در خدمت ارتش ایران بودند، نوشت هر چند به نظر می آید پیش از آنکه شاه به منظور لشکرکشی به هرات، تهران را ترک کند وزیرمختار تازه انگلیس (سرجان مکتیل) وارد تهران بشود، اما لازم می داند ابلاغ کند که چنانچه شاه پیش از ورود وزیرمختار تازه تهران را ترک کند و از افسران انگلیسی بخواهد که دستجمعی یا به گونه انفرادی او را در این سفر جنگی همراهی کنند، افسران مزبور نباید در هیچ عمل خصمانه بر ضد افغان ها یا کشور دیگری خارج از مرزهای ایران شرکت کنند مگر آنکه وزیرمختار انگلیس در این باره دستور خاصی بدهد. در هر حال این دستور مانع آن نیست که شاه را تا خراسان همراهی نمایند.^{۲۵۸}

چنان که دیده می شود، فعالیت ها و اقدامات نمایندگان انگلیس و روسیه درست در جهت مخالف یکدیگر بود و باصطلاح هرچه اوکی می یافت دومی پنبه می کرد.

هانت^{۲۵۹} نویسنده کتاب لشکرکشی به ایران، ضمن اشاره به سیاست رقابت آمیز روسیه با انگلیس می نویسد که ماهیت واقعی دیپلماسی روسیه را در این زمینه به خوبی می توان دید. نتیجه، همان سیستم زیاتبار فریب آمیزی است که نیکلاتزار روسیه به جرج همیلتون سیمور^{۲۶۰} سفیر فوق العاده انگلیس در پترزبورگ ارائه کرده بود^{۲۶۱} و در همه اقدامات دیپلماتیک روسیه اعمال می شود.

○ هنری ایس: چون ایران نمی خواهد یا جرأت نمی کند همچنان با انگلیس دوست و متحد نزدیک باشد و مطیع و تسلیم نظر روسیه شده است، دولت انگلیس پس از این دیگر نباید ایران را سدّی برای دفاع از هند تلقی کند، بلکه باید آنها را خطّ اولی بداند که از آنجا حمله شروع می شود.

زمان شاه سابق (فتحعلی شاه) گروگان‌ی نداده‌ایم و حالا هم نخواهیم داد.

شما هدایایی از ما می‌خواهید. ما حاضریم هدایایی به اندازه‌ای که می‌توانیم فراهم کنیم؛ بدهیم. اگر شاه به این پیشنهاد رضایت نمی‌دهد و تصمیم حمله به ما گرفته است، خود می‌داند. ما از شهر خود تا آنجا که می‌توانیم دفاع می‌کنیم و اگر ما را از آنجا بیرون کردید البته آن شهر در دست شما باقی می‌ماند تا ما وسیلهٔ پس گرفتن آنرا پیدا کنیم.»^{۳۶۲}

بدیهی است این پیشنهاد نمی‌توانست مورد موافقت محمدشاه قرار گیرد.

۲- محمدشاه و سرجان مکنیل وزیرمختار انگلیس

چنان که پیشتر گفته شد، مکنیل را باید از بر نفوذترین و زیرک‌ترین دیپلمات‌های انگلیس در ایران دانست که با عنوان فرستاده و وزیرمختار پادشاه انگلیس در دربار محمدشاه در تاریخ ۳۰ سپتامبر ۱۸۳۶ (۱۸ جمادی‌الآخر ۱۲۵۲) وارد تهران گردید. فعالیت‌های مکنیل در واقع دنبالهٔ اقدامات هنری الیس بود که برای مجبور کردن محمدشاه به چشم‌پوشی از لشگرکشی به هرات و انعقاد عهدنامهٔ بازرگانی از هیچ کوششی فروگذار نکرد. در مقایسهٔ رفتار و روش این دو نفر با یکدیگر می‌توان گفت درحالی که مذاکرات و رفتار هنری الیس با مقامات ایران ملایم و طبق عرف و رسوم معمول آن دوران بود، فعالیت‌های جان مکنیل و گفتگوهای او با محمدشاه و دیگر مقامات ایران خشونت‌آمیز و گستاخانه و برخلاف نزاکت معمول دیپلماتیک به نظر می‌رسید، چنان که محمدشاه در نوشته‌های خود او را بدجنس و آدمی هرزه نامیده بود و می‌گفت دیگر حاضر نیست روی او را ببیند. لکن وقتی مکنیل با ایران قطع رابطه کرد و کشتی‌های جنگی انگلیس وارد خلیج فارس شدند و با اشغال جزیرهٔ خارک مستقیم و غیرمستقیم محمدشاه را تهدید کردند، او ناچار تسلیم خواسته‌های آنها شد و نه تنها از لشگرکشی به هرات و تصرف آن شهر دست کشید، بلکه با انعقاد عهدنامهٔ بازرگانی نیز موافقت نمود و مکنیل را هم پذیرفت و با او به گفتگو

اقدامات و کارهای کنت سیمونیچ در ایران به اندازه‌ای با اصول سیاست اعلام شدهٔ روسیه متغایر و متضاد بود که لرد پالمرستون وزیر امور خارجهٔ انگلیس در سال ۱۸۳۷ به لرد دورهام^{۳۶۲} سفیر انگلیس مقیم پترزبورگ دستور داد موضوع را با دولت روسیه در میان بگذارد و توضیح بخواهد. کنت نسلرود وزیر امور خارجهٔ روسیه در پاسخ گفته بود وزیرمختار ما (کنت سیمونیچ) باید همراه شده باشد زیرا صریحاً به او دستور داده شده شاه را از اقدام به جنگ در هر زمان و تحت هر شرایطی منع کند.

اما این واقعیت را همه می‌دانند که کنت سیمونیچ نه تنها مشوق ایرانیان در پیشروی به سوی هرات بوده، بلکه خود شخصاً بعنوان یک نظامی توصیه‌هایی به شاه می‌کرده است.

هنگامی که نمایندهٔ انگلیس می‌کوشید از لشگرکشی محمدشاه به هرات جلوگیری کند و نمایندهٔ روسیه برعکس شاه را تشویق به آن کار می‌کرد، یک نفر افغان به نام عزیزخان به نمایندگی برادران کهندل خان و رحم دل خان و شیردل خان رؤسای قندهار وارد تهران شد و برقراری یک اتحاد تهاجمی و تدافعی در برابر کامران میرزا والی هرات را به شاه پیشنهاد کرد. این نماینده مورد استقبال قرار گرفت و با پیشنهاد او موافقت شد.

چنان که حاجی میرزا آقاسی به الیس گفته بود، با تشویق وزیرمختار روسیه طرح دو لشگرکشی تهیه گردید و در تابستان سال ۱۸۳۶ نیرویی برای سرکوبی ترکمن‌ها به استرآباد (گرگان امروزی) اعزام شد و یک نیرو نیز به فرماندهی خود محمدشاه روانهٔ خراسان گردید. نیروی اول به علت شروع شدن زمستان نتوانست از استرآباد جلوتر برود و محمدشاه هم بواسطهٔ شیوع بیماری ویا در خراسان و کمبود آذوقه و مبارزهٔ مخالفان کاری از پیش نبرد و به علت فرا رسیدن زمستان، برخلاف میل و خواستهٔ وزیرمختار روسیه به تهران بازگشت.

پیش از عقب کشیدن نیروهای ایران، محمدشاه پاسخی از کامران میرزا دریافت کرد که در آن گفته شده بود:

«شما از ما گروگان‌هایی می‌خواهید. ما در

○ محمدشاه: درحالی که انگلیسی‌ها در دفاع از منافع و مصالح حتی يك بازرگان انگلیسی کوتاهی نمی‌کنند، نباید انتظار داشته باشند که ما اجازه دهیم اتباع ایران توسط ترکمن‌ها و یکی از اتباع خودمان (کامران میرزا حاکم هرات) که با آنها همدست شده است به اسارت گرفته شوند یا از خانه و کاشانهٔ خود رانده شوند.

پرداخت.

دو کار یعنی اعزام نیروی نظامی به هرات و فرستادن نماینده به خیوه و بخارا با یکدیگر مخالف و مغایر به نظر می‌آید.

حاجی میرزا آقاسی پاسخ داد حاجی میرزا شفیع ابتدا به خیوه و بخارا می‌رود و اگر نتیجه‌ای از مأموریت او به دست نیامد بعد يك نیروی نظامی به آن مناطق اعزام خواهد شد. اما چون راه خیوه و بخارا از هرات و مرو شاهجهان می‌گذرد، ابتدا باید هرات به انقیاد درآید و سپس به مناطق دیگر لشگر کشی شود. حاجی میرزا آقاسی ضمناً از مکنیل خواست نظر خود را در این باره اعلام کند.

مکنیل در پاسخ حاجی میرزا آقاسی نامه‌ای نسبتاً مفصل نوشت و از جمله اظهار داشت:

طبق مفاد عهدنامه موجود بین دو کشور (عهدنامه تهران سال ۱۸۱۴) به افسران انگلیسی اجازه داده نمی‌شود در لشگر کشی شاه به هرات شرکت کنند^{۳۶۵} و اگر دولت ایران مایل باشد، طبق همان عهدنامه مقامات دولت انگلیس آماده‌اند برای رفع اختلاف بین حاکم هرات و دولت ایران میانجیگری نمایند. اما برای لشگر کشی به خیوه و بخارا افسران انگلیسی آمادگی همکاری با دولت ایران را دارند.

مکنیل در پایان نامه خود درباره خواهش حاجی میرزا آقاسی که خواسته بود نظر خود را درباره لشگر کشی به هرات اعلام دارد، صریحاً گفت که بهتر است دولت ایران در سال جاری (۱۸۳۷) تمام توجه خود را به مسائل داخلی و اصلاح امور کشور معطوف دارد زیرا چنان که او اطلاع پیدا کرده هزینه‌های دولتی بیش از درآمدهای آن است. بعلاوه در بعضی از شهرها و ایالات از جمله کرمان و مازندران و اصفهان و لرستان و عربستان (خوزستان) هنوز نظم و آرامش برقرار نشده است.

مکنیل در گزارشی به لرد پالمستون با ارسال نامه‌های مزبور نوشت: به نظر او حاجی میرزا آقاسی چون می‌داند محمدشاه امسال توانایی لشگر کشی به هرات را ندارد می‌خواهد نظر مخالف نماینده انگلیس را به دست آورد تا شاید بتواند محمدشاه را متقاعد کند اعزام نیروی نظامی به هرات را به بعد موکول نماید.^{۳۶۶}

در اینجا فهرست‌وار به اقدامات مکنیل و گفت‌وگوهای او با مقامات ایران و پیامدهای آن می‌پردازیم.

۳- مکاتبات و گفت‌وگوهای مکنیل

مکنیل پس از انتصابش به وزیر مختاری در ایران و پیش از ترك لندن از طرف مکناتن رئیس دفتر سیاسی حکومت هند نامه‌ای دریافت کرد که در آن از جمله گفته شده بود:

حفظ سرزمین‌های واقع میان هند و ایران در برابر تجاوز خارجی از طرف غرب برای مصالح سیاسی انگلستان و هند انگلیس اهمیتش حتی از منافع بازرگانی آنها بیشتر است. جای نگرانی بسیار است که ایران در حکومت پادشاه فعلی (محمدشاه) که به گونه بی‌سابقه تحت سرپرستی روس‌ها قرار گرفته، با اصرار سفیر روسیه به فکر لشگر کشی به هرات افتاده است. در این اوضاع و احوال دولت انگلیس، خواه در انگلستان یا در هند، نمی‌تواند دست‌اندازی تدریجی ایران به سوی هند را نادیده بگیرد.

بنابر این مکنیل باید با یادآوری لزوم تداوم دوستی ایران و انگلیس که به سود ایران است، نهایت سعی و کوشش را به عمل آورد تا شاه از لشگر کشی به هرات دست بکشد و در صورت لزوم پیشنهاد شود که بین شاه و حکمران هرات میانجیگری به عمل آید.^{۳۶۴}

پس از ناکامی در لشگر کشی سال ۱۸۳۶، در اوایل بهار ۱۸۳۷/۱۲۵۲ حاجی میرزا آقاسی کتیباً و شفاهاً از مکنیل وزیر مختار انگلیس درخواست کرد که چون تصمیم گرفته شده نیرویی به هرات اعزام شود، «امیر تومان» لینی (سرهنری بی‌تون بعدی) با دیگر افسران انگلیسی، همراه محمدشاه عازم خراسان شوند.

چند روز بعد میرزا مسعود وزیر امور خارجه ضمن نامه‌ای از مکنیل خواست چون تصمیم گرفته شده حاجی میرزا شفیع به نمایندگی از طرف شاه به خیوه و بخارا برود، بکنفر از اعضای نمایندگی انگلیس را معرفی کند که او نیز همراه حاجی میرزا شفیع به آن شهرها عزیمت نماید. مکنیل در پاسخ حاجی میرزا آقاسی گفت این

○ کنت سیمونیچ وزیر مختار روسیه در تهران نه تنها مشوق ایرانیان در پیشروی به سوی هرات بود، بلکه شخصاً بعنوان يك نظامی توصیه‌هایی به شاه می‌کرد.

۴- نماینده کامران میرزا در تهران

در همان ایامی که محمدشاه مشغول تهیه مقدمات لشکر کشی به هرات بود، فتحی محمد به نمایندگی کامران میرزا با پیشنهادی از طرف او وارد تهران شد. طبق این پیشنهاد می‌بایست اختلاف طرفین دوستانه حل و فصل شود؛ تاخت و تاز در قلمرو ایران و گرفتن اسیر و فروش آنها موقوف گردد؛ اگر پادشاه ایران برای جنگ در ترکستان یا جای دیگر احتیاج به سپاه افغانی داشته باشد، کامران میرزا تا اندازه‌ای که می‌تواند کمک نظامی بدهد؛ همه ساله در ایام عید نوروز مبلغی بعنوان خراج از طرف کامران میرزا به محمدشاه داده شود؛ گروگان‌هایی از طرف افغان‌ها به ایران فرستاده شوند و یک وکیل یا کارگزار از طرف کامران میرزا همیشه در دربار ایران اقامت داشته باشد. در مقابل، پادشاه ایران کامران میرزا را بعنوان «کامران شاه» مانند برادر خود تلقی نماید و جانشینان او را هم به همین عنوان به رسمیت بشناسد و دولت انگلیس میانجی طرفین باشد.

به گفته مکنیل، کامران میرزا در نامه‌ای که به محمدشاه نوشته بود سبک و عنوان یک حکمران مستقل را حفظ کرده بود. هر چند او در نامه خود محمدشاه را با احترام خطاب کرده بود، اما شاه ایران را پادشاه متبوع خود خطاب نکرده و بر روی مهر او نیز کلماتی حک شده بود که چند نسل از خاندان سلطنتی افغانستان آنرا به کار می‌بردند.^{۳۶۷}

فتحی محمد به مکنیل گفته بود حکومت هرات قصد ندارد از استقلال خود صرف نظر نماید و کامران میرزا هم از عنوان «شاه» چشم نمی‌پوشد و از ضرب سکه خودداری نخواهد کرد و در خطبه‌های نماز نام محمدشاه را ذکر نخواهد نمود.

فتحی محمد فرستاده امیر هرات از وزیرمختار انگلیس درخواست کرد در جلسه مذاکرات او با مقامات ایران شرکت کند و از دولت ایران بخواهد که پیشنهاد کامران میرزا را بپذیرد.

مکنیل وقتی با حاجی میرزا آقاسی ملاقات و در این باره گفتگو کرد، حاجی به او گفت مأموریت فرستاده هرات فقط به منظور

وقت گذرانی است و پیشنهادها قابل قبول نیست.

حاجی میرزا آقاسی در یک جلسه مذاکراتی که با فتحی محمد به عمل آورد او را تهدید کرد و از او خواست مکنیل را در مذاکرات مربوط به روابط حکومت هرات و ایران دخالت ندهد.

مکنیل در گزارشی که در این باره برای لردبالمستر تون فرستاده می‌نویسد مسئله واقعی موضوع استقلال هرات است که مورد موافقت ایران نیست و شاه مدعی است هرات متعلق به اوست و می‌خواهد با لشکر کشی آن شهر را تصرف کند.

مکنیل ضمن اظهار نظر در این باره می‌نویسد استقلال هرات برای امنیت امپراتوری هند بی‌اندازه واجد اهمیت است و نباید اجازه داد به ایران منضم شود یا وابسته به ایران باشد.

بنابراین مکنیل به فرستاده هرات توصیه کرد در برابر تهدیدات ایران تسلیم نشود یا امتیازی که مغایر با استقلال هرات باشد ندهد.

مکنیل در گزارش خود پس از اشاره به نامه حکومت هند (نامه مکناتن که قسمت‌هایی از آن در بالا نقل شد) که در آن به او دستور داده شده بود محمدشاه را از لشکر کشی به هرات بر حذر دارد می‌نویسد: قبلاً اظهار عقیده کرده بودم (گزارش مورخ ۲۴ فوریه ۱۸۳۷ که قسمت‌هایی از آن در ص ۹۸ شماره قبل اطلاعات سیاسی - اقتصادی نقل شد) شاه در جنگی که بر ضد هرات به راه انداخته محق بوده و این جنگی معقول و منصفانه است و بنابراین در مورد تهدید شاه به منظور خودداری از این جنگ اظهار تردید کرده بودم، اما وقتی حکومت هرات شرایطی چنان مفید و مناسب پیشنهاد کرده است یقین پیدا کردم که ایران با تصرف هرات نمی‌تواند خیلی زیاد قدرت و امنیت به دست آورد و به نظرم از آن لحظه، این جنگ از طرف ایران جنگی نادرست و غیرمنصفانه خواهد بود و چون دولت ایران درخواست کرده بود در مذاکرات شرکت کنم و فرستاده هرات نیز خود را کاملاً در اختیار من قرار داده بود، دیگر نمی‌توانستم از دخالت در این موضوع خودداری نمایم. در حالی که تصمیم گرفته بودم اصل استقلال هرات را حفظ کنم، نمی‌خواستم با امتیازاتی که از طرف «کامران شاه»

○ رفتار جان مکنیل
وزیرمختار انگلیس در
تهران با محمدشاه و دیگر
مقامات ایران خشونت آمیز
و گستاخانه و برخلاف
نزاکت دیپلماتیک بود.
به همین دلیل محمدشاه در
نوشته‌های خود او را آدمی
بدجنس و هرزه نامیده بود
و می‌گفت دیگر حاضر
نیست روی او را ببیند.

رسیدن شاه به غوریان به او ملحق شوند. به نظر می آید فاصله این نیروها از هم خیلی دور باشد به طوری که نتوانند چنان که باید از یکدیگر پشتیبانی کنند. بنابراین ارتش دسته دسته در معرض خطر حمله قرار دارد و زیاد احتمال می رود که شکست يك دسته موجب عقب نشینی تمام آنها بشود.^{۳۷۰}

مکنیل وزیر مختار انگلیس از وقتی که متوجه شد نمی تواند محمدشاه را از لشگر کشی به هرات منصرف کند فعالیت های خود را تشدید کرد و نه تنها در مذاکرات و نامه های خود به مقامات ایران لحن تند و گستاخانه در پیش گرفت بلکه در گزارش های متعددی که برای مقامات انگلیس می فرستاد، مخاطرات ناشی از تصرف هرات از طرف ایران را که به تحریک و تشویق روسیه قلمداد می نمود بیش از آنچه بود بزرگ می کسرد و از دولت انگلیس و حکومت هند می خواست برای حفظ امنیت و آرامش هند، از افستادن هرات به دست ایرانیان هر چه زودتر جلوگیری کنند.

مکنیل در گزارشی که مقارن ایام توقف محمدشاه در تربت شیخ جام تهیه کرده می نویسد: اگر شاه موفق به تسخیر هرات بشود که احتمال نمی رود، ولی غیر ممکن هم نیست، آن وقت امکان دارد به تصرف مناطق دیگر واقع بین مرزهای این کشور ورود دهند هم اقدام نماید.

شاه آشکارا گفته است که عقیده دارد تصرف هرات او را در موقعیتی قرار می دهد که دولت انگلیس دیگر نخواهد توانست با هیچ يك از خواسته های او مخالفت کند زیرا تسلط بر هرات به او قدرتی می بخشد که خواهد توانست برای انگلیسی ها در هند مزاحمت ایجاد کند یا هر وقت بخواهد به دشمنان انگلیس راه عبور بدهد.

مکنیل اظهار عقیده می کند: بسیار مهم است که تا حد ممکن و به هر وسیله از گسترش این قبیل افکار واهی در مخیله شاه جلوگیری به عمل آید. در چنین وضعی اگر ما آماده نباشیم، که من نگران آماده نبودن هستیم، به ایران امکان داده می شود تسلط خود را بر تمام سرزمین های واقع بین مرز فعلی آن کشور ورود دهند برقرار نماید.^{۳۷۱}

داده می شد مخالفت کنم زیرا مادام که دولت ایران از دخالت در امور داخلی هرات و اعزام نیرو به آن سرزمین اجتناب کند، هرات سدّی خواهد بود در برابر پیشرفت بیشتر ایران در آن جهت؛ همچنین به علت تعهد رعایت صادقانه قرار و مدار پیشنهادی، ما این حق را پیدا می کردیم که به حفظ و حراست آن کمک نماییم.^{۳۶۸}

شاه عزیمت محمدشاه به سمت هرات و تشدید فعالیت های مکنیل

با وجود اصرار و ابرام مکنیل برای انصراف شاه از لشگر کشی به هرات، محمدشاه پس از آنکه فرهاد میرزا (حاجی معتمد الدوله) را به سمت نایب الایاله منصوب و مأمور توقف در تهران کرد، خود در روز یکشنبه ۱۹ ربیع الثانی ۱۲۵۳ هـ.ق (۲۳ ژوئیه ۱۸۳۷) در رأس ارتش ایران روانه هرات و «ممالک مشرق زمین» شد.^{۳۶۹}

در آن روزها فتحی محمد نماینده کامران میرزا هنوز در تهران به سر می برد. نیروهای ایران با وجود اعتراضات وزیر مختار انگلیس به پیشروی خود از طریق نیشابور ادامه دادند و در سی ام ماه رجب ۱۲۵۳ (۳۰ ماه اکتبر ۱۸۳۷) در تربت شیخ جام مستقر شدند.

طبق گزارش مکنیل: ارتش ایران از چهار لشگر تشکیل شده است. یکی از این لشگرها که اسماً مرگب از ۱۲۰۰۰ نفر و ده عراده توپ تحت فرماندهی آصف الدوله است به طرف بادغیس و قراتیه پیش می رود و امیدوار هستند در آنجا بتوانند آذوقه تهیه کنند؛ بعلاوه، از این تحرک منظور دیگری هم دارند و آن جلب توجه قوم نیرومند هزاره و بیرون کشاندن آنها از هرات برای دفاع از سرزمین خودشان یعنی دو محل یادشده (بادغیس و قراتیه) است. لشگر دیگر که اسماً مرگب از هشت هزار نفر با شش یا هشت عراده توپ است باید قلعه مرزی غوریان واقع در قلمرو هرات را اشغال کند. سومین لشگر تحت فرماندهی حمزه میرزا و حسن خان (پسر آصف الدوله) است که پیشقراول ارتش اصلی است که فرماندهی آنرا شخص شاه برعهده دارد. عده زیادی نیز به نواحی طرف راست خط پیشروی ارتش برای جمع آوری آذوقه و سیورسات اعزام شده اند و قرار است پیش از

○ مکنیل: استقلال هرات برای امنیت هند بی اندازه اهمیت دارد و نباید اجازه داد که این ایالت به ایران منضم شود یا وابسته به ایران باشد.

هـ - محاصره هرات و پیامدهای آن

چنان که اشاره شد، محمدشاه با نیروهای همراه خود با وجود اعتراضات وزیر مختار انگلیس به پیشروی ادامه داد و قلعه غوریان واقع در چهل مایلی هرات در سر راه مشهد را بعد از ده روز محاصره در تاریخ ۱۵ نوامبر ۱۸۳۷ تصرف کرد و سپس در ۲۳ نوامبر (۲۴ شعبان ۱۲۵۳) هرات را به محاصره گرفت.

محاصره هرات از طرف نیروهای ایران نزدیک ده ماه به طول انجامید و در این مدت حوادثی پیش آمد و مکنیل به کارهایی دست زد تا سرانجام محمدشاه را مجبور کرد با تمام خواسته‌های دولت انگلیس موافقت کند و از محاصره هرات و تصرف آن شهر چشم پوی شد. این مقاله گنجایش تشریح این رویدادها و همه فعالیت‌های وزیر مختار انگلیس را ندارد؛ فقط به اهم آنها اشاره می‌کنیم و پیش از آن برای مزید اطلاع خوانندگان توضیح مختصری درباره محاصره هرات می‌دهیم و می‌بینیم چگونه با وجود شجاعت سربازان ایرانی، به علت بی‌اطلاعی و ناکارایی افسران، محاصره طولانی شده و سرانجام موفقیتی هم به دست نیامده است.

پس از سقوط قلعه غوریان و محاصره هرات قاصدهایی بین محاصره کنندگان و محاصره شدگان آمد و رفت می‌کردند و پیام‌هایی بین آنها مبادله می‌شد.

مکنیل بر پایه اطلاعات رسیده از افسران انگلیسی همراه محمدشاه که در اردوی او به سر می‌بردند در گزارشی که در اواسط زمستان سال ۱۲۵۳/۱۸۳۸ در تهران تهیه کرده می‌نویسد:

تلاش برای صورت گرفتن مذاکره بین ایران و افغان‌ها فایده‌ای ندارد زیرا شاه اعلام کرده که کامران میرزا باید به اردوگاه ایران برود و اظهار سرسپردگی کند در حالی که حکومت هرات از انعقاد هر عهدنامه‌ای خودداری می‌کند و می‌گوید شاه باید نیروهای خود را به مشهد عقب بکشد.

نیروهای ایران تقریباً چهل هزار نفر با هشتاد عراده توپ هستند و به آسانی می‌توانند آنوقه تهیه کنند. هوا بطور غیر عادی معتدل و خوب است. به علت سقوط قلعه غوریان روحیه مردم هرات تضعیف شده و از هیچ جا هم برای آنها کمکی

مکنیل پس از اشاره به لزوم حفظ استقلال هرات برای امنیت هند اظهار عقیده می‌کند این واقعیت که شاه توانسته است، با از بین رفتن تمام آذوقه و خواربار در اطراف هرات، برای چهل هزار نفر نیروی خود آذوقه تهیه کند، دلیل آنست که نیروی هر دشمنی به آسانی خواهد توانست برای نیروهای خود آذوقه فراهم آورد.^{۳۷۲}

مکنیل پس از تأکید مکرر بر لزوم جلوگیری از افتادن هرات به دست شاه ایران پیشنهاد می‌کند به او اجازه داده شود شخصاً به اردوگاه شاه (در اطراف هرات) برود و صریحاً به او بگوید دولت انگلیس نمی‌تواند اجازه بدهد که او به جنگی دست بزند که تا آن اندازه برای مصالح انگلیس زیانبخش باشد.^{۳۷۳}

وقتی هرات به محاصره در آمده بود، لیوتنانت اللرد پاتینجر^{۳۷۴} افسر انگلیسی که تازه از کابل وارد هرات شده بود یار محمد وزیر کامران میرزا را یاری می‌داد. یار محمد سه هزار نفر مرد مسلح در اختیار داشت ولی دارای توپخانه نبود. نیروهای ایران که شهر را محاصره کرده بودند سی و پنج هزار نفر با پنجاه عراده توپ بودند. نیروهای ایران را کلنل سیمینو^{۳۷۵} یک افسر

فرانسوی که در خدمت ایران بود راهنمایی می‌کرد و کنت سیمونینج وزیر مختار روسیه و کلنل بلازمیرگ^{۳۷۶} که بعدها پیشقراول نیروهای روسیه در متصرفات روسیه در ترکستان شد، توصیه‌هایی می‌دادند. محاصره چند ماه طول کشید ولی اقدام قاطعی به عمل نیامد. بین محاصره کنندگان و محاصره شوندگان پیام‌هایی درباره شرایط تسلیم مبادله می‌شد ولی به علت کوشش‌های مأموران انگلیسی به نتیجه‌ای نمی‌رسید. در ۱۸ آوریل ۱۸۳۸ نوبسیدانه حمله‌ای به شهر صورت گرفت اما مؤثر واقع نشد تا در ۲۴ ژوئن که هفتمین ماه محاصره بود از پنج ناحیه به شهر حمله شد. چهار حمله به نتیجه نرسید و فقط یک مورد با شجاعت و جدیت پی‌گیری شد ولی آن هم با کوشش و توصیه‌های لیوتنانت پاتینجر به موفقیت نینجامید. هر چند به علت محاصره و حملاتی که به عمل می‌آمد روحیه افراد پادگان مقیم شهر تضعیف شده بود و

○ مکنیل: محمدشاه آشکارا گفته است که تصرف هرات او را در موقعیتی قرار می‌دهد که دولت انگلیس دیگر نخواهد توانست با خواسته‌های او مخالفت کند. تسلط بر هرات قدرتی به او می‌بخشد که برای انگلیسی‌ها در هند ایجاد مزاحمت کند یا هر وقت بخواهد به دشمنان انگلیس راه عبور بدهد.

نداشت در سال ۱۸۱۰ توسط محمودشاه معزول و مستعمری بگری حکومت هند شده بود (مراجعه فرمایید به: Gazetteer of Afghanistan چاپ کلنگه، سال ۱۹۱۰).

۳۵۰. گزارش مورخ ۸ ژانویه ۱۸۳۶ الیس از تهران به بالمستون F.O. 881/83، ص ۱۲.

۳۵۱. منظور عهدنامه مورخ ۱۲ ذی حجه ۱۲۲۹/۲۵ نوامبر ۱۸۱۴ است که طبق ماده نهم آن «اگر جنگ و نزاعی فیما بین دولت علیّه ایران و افغانستان اتفاق افتد لولیای دولت هیئۀ انگلیس را در آن میان کاری نیست و به هیچ طرف کمک و امدادی نخواهند کرد مگر آنکه به خواهش طرفین واسطه صلح گردند.»

۳۵۲. گزارش مورخ ۱۵ ژانویه ۱۸۳۶/ الیس از تهران به بالمستون و ممراندم ضمیمه آن. مکاتبات محرمانه ایران و افغانستان F.O. 881/53، ص ۱۴.

۳۵۳. گزارش مورخ ۴ فوریه ۱۸۳۶ الیس از تهران به بالمستون. مکاتبات محرمانه، ص ۱۵.

۳۵۴. گزارش مورخ ۱۶ آوریل الیس از تهران به بالمستون. مکاتبات محرمانه، ص ۲۲.

۳۵۵. گزارش مورخ ۱۷ آوریل ۱۸۳۶ الیس به بالمستون. مکاتبات محرمانه، ص ۲۳.

۳۵۶. از گزارش ۲۹ آوریل ۱۸۳۶ الیس به بالمستون، مکاتبات محرمانه، ص ۲۳.

357. Colonel Pasmore.

۳۵۸. مکاتبات محرمانه، ص ۲۵.

359. Capt. G.H. Hunt.

360. Sir G.H. Seymour.

۳۶۱. ظاهر منظور پیشنهاد روسیه برای تقسیم مرد بیمار اروپا یعنی تجزیه عثمانی است.

362. Earl of Durham.

۳۶۳. G.H. Hunt. Persian Campaign. چاپ لندن سال ۱۸۵۸ صفحات ۹۱ تا ۹۳.

۳۶۴. نامه مورخ ۲۱ نوامبر مکتاتن به مکتیل، ضمیمه شماره ۱ گزارش مورخ ۲۴ فوریه ۱۸۳۷ مکتیل به بالمستون، ص ۲ F.O. 881/53.

۳۶۵. وقتی عباس میرزا در سال ۱۸۳۳ می خواست به هرات لشکر کشی کند از جان کمبل نماینده وقت انگلیس درخواست کرد به افسران انگلیسی اجازه داده شود او را همراهی نمایند. کمبل صریحاً به عباس میرزا اطلاع داد که طبق روح ماده ۹ عهدنامه تهران به افسران انگلیسی چنان اجازه‌ای داده نخواهد شد. (گزارش ۲۲ فوریه ۱۸۳۳ کمبل به کمیته سرتی 249/29 F.O.).

۳۶۶. ضمیمه ۱ و ۲ و ۳ و ۴ گزارش مورخ ۲ ماه مه ۱۸۳۷ مکتیل از تهران به بالمستون. مکاتبات محرمانه

افغانها قصد داشتند تسلیم شوند اما باز پاتینجر افسر انگلیسی آنها را متقاعد ساخت که به مقاومت ادامه دهند.

این وضع یعنی عدم موفقیت نیروهای ایران را گرچه تا اندازه‌ای باید معلول استقامت و پایداری پادگان مقیم شهر دانست، اما بیشترین ناشی از ناهماهنگی طرحهای شاه با یکدیگر و ناکارآمدی افسران او بود. به عقیده لیونانت پاتینجر شهر هرات با نخستین حمله می توانست گرفته شود زیرا «سپاهیان ایران سربازانی به مراتب بهتر و یکسره مردانی شجاع مانند افغانها بودند. عدم موفقیت، معلول اشتباهات سرداران آنها بود.»^{۳۷۷} (دنیاله دارد)

یادداشت‌ها

۳۴۵. طبق ماده دهم عهدنامه ترکمانچای مورخ ۲۲/۱۰ فوریه ۱۸۲۸ (۵ شعبان ۱۲۴۳): «علیحضرت شاه ایران هم چنان حق برگزیدن کنسولها و نمایندگان بازرگانی در هر جا که بسود بازرگانی باشد به روسیه می دهد...»

۳۴۶. گرچه اختلاف ایران و انگلیس بر سر هرات از حوادث مهم تاریخ قرن نوزدهم ایران است، اما مورخان دوره قاجار آنرا به اختصار و با تحریف نقل کرده اند، چنان که صبح النوله درباره لشکر کشی محمدشاه می گوید محاصره هرات ده ماه طول کشید و «به چند علت که عمده آن اختلاف سران سپاه بود نیز سر جان مکتیل وزیر دولت انگلیس بجهت مداخله وزیر مختار روس غراف سیمونویچ در امور افغانستان راضی بر این کار نبود تسخیر آن شهر ممکن نشد.» منتظم ناصری، ج ۳، ص ۱۶۷.

۳۴۷. Sir Henry Ellis (1777-1855) همراه جان ملکم در سال ۱۸۱۰ به ایران آمد و از آن پس در هند و لندن و ایران مشغول کار شد و از کارشناسان انگلیس در امور ایران شناخته می شد.

۳۴۸. گزارش مورخ ۱۳ نوامبر ۱۸۳۵ الیس از تهران به بالمستون، مکاتبات مربوط به ایران و افغانستان، F.O. 881/53، ص ۱۱.

۳۴۹. پس از آنکه محمدشاه مجبور به عقب نشینی از هرات شد، انگلیسی ها شاه شجاع را در کابل به تخت سلطنت سوزائی نشانند و استقلال هرات را تحت حکومت «شاه کامران» اعلام کردند. شاه شجاع نوه احمدشاه درانی بود که در سال ۱۸۰۳ برادرش محمودشاه را بر کنار کرد و خود پادشاه افغانها شد ولی چون در میان مردم محبوبیت

○ ناکامی نیروهای ایران در تصرف هرات، بیشتر ناشی از ناهماهنگی طرحهای شاه با یکدیگر و ناکارآمدی افسران او بود. از دید پاتینجر، افسر انگلیسی که کامران میرزا حاکم هرات را یاری می داد، شهر هرات با نخستین حمله می توانست گرفته شود زیرا سپاهیان ایران سربازانی شجاع و به مراتب برتر از افغانها بودند و گذشته از داشتن تجهیزات جنگی بهتر، شمارشان نیز به ده برابر افغانها می رسید.

مربوط به ایران و افغانستان، ص 881/533.F.O.

۳۶۷. «هو، یا فتاح، کامران شاه در دوران»

۳۶۸. برای اطلاع بیشتر مراجعه فرمایید به گزارش ۳۰

ژوئن ۱۸۳۷ مکتبیل از اردوگاه نزدیک تهران (احتمالاً قلهاک)

به پالمستون و ضمائم آن. مکاتبات محرمانه مربوط به

ایران و افغانستان، ص ۶. نیز، کیتان هنت، لشکر کشی به

ایران. ص ۹۵.

۳۶۹. صنیع الدوله، منتظم ناصری. ج ۳، ص ۱۶۷.

۳۷۰. گزارش مورخ ۲۷ نوامبر ۱۸۳۷ مکتبیل از سلیمانیه

به پالمستون. مکاتبات محرمانه مربوط به ایران و

افغانستان، ص ۸۰. چنان که می دانیم عده ای از افسران

انگلیسی در خدمت ارتش ایران همراه نیروهای محمدشاه

بودند. این قبیل گزارشها را مکتبیل قطعاً با اطلاعات رسیده

از طرف آنها تهیه می کرده است.

۳۷۱. گزارش مورخ ۲۷ نوامبر ۱۸۳۷ مکتبیل از سلیمانیه

به پالمستون. نامه های محرمانه، ص ۱۷.

۳۷۲. وقتسی خبیر نزدیک شدن نیروهای ایران به

هرات رسید، یار محمد وزیر کامران میرزا دستور داد

همه غلات و علوفه دهات اطراف را به شهر حمل کنند

و آنچه را قادر به حمل آن نباشند از بین ببرند. (Gazetteer

of Afghanistan) ص ۹۸.

۳۷۳. از گزارش ۲۳ فوریه ۱۸۳۸ مکتبیل از تهران به

پالمستون. نامه های محرمانه، ص ۲۸.

374. Lieutenant Eldred Pottinger.

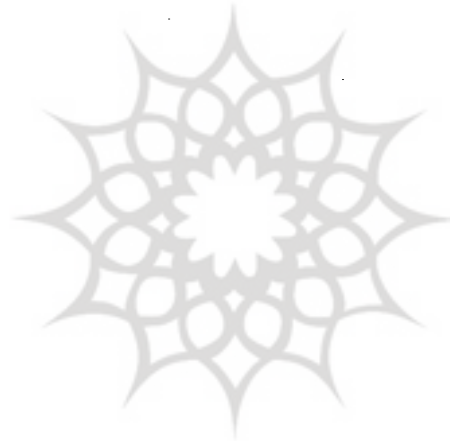
375. Colonel Semineau.

376. Colonel Blaremborg.

۳۷۷. تلخیص شده از Gazetteer of Afghanistan

قسمت سوم، چاپ کلکته، ۱۹۱۰، ص ۹۸.

○ پس از آنکه محمدشاه
مجبور به عقب نشینی از
هرات شد، انگلیسی ها
شاه شجاع را در کابل به
تخت سلطنت سلو زایی
نشاندهند و استقلال هرات
را تحت حکومت «شاه
کامران» اعلام کردند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی